

# جزوه آیین دادرسی مدنی ۱

استاد: دکتر عسکر حاجی پور



جزوه آیین دادرسی مدنی ۱  
استاد: دکتر عسکر حاجی پور

آیین دادرسی مدنی ۱



## - تعریف و فایده آیین دادرسی مدنی :

کلمه آیین در لغتنامه فارسی به معنی رسم ، روش و شیوه ذکر گردیده است. مطابق ماده یک آیین دادرسی مدنی (( آیین دادرسی مدنی ، مجموعه ای اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی و امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاه های عمومی ، انقلاب ، تجدید نظر ، دیوان عالی کشور و سایر مراجع ای که به موجب قانون موظف به رعایت آن می باشند به کار می رود )).

آیین دادرسی مدنی عبارت است از مجموعه قواعد و تشریفات که اصحاب دعوا می بایست در هنگام رجوع به مراجع قضایی برای دادخواهی در امور مدنی و نیز مراجع قضایی درباره آنها رعایت نمایند تا احقاق حق انجام پذیرد ، چون به صرف داشتن حق در همه حال جهت دست یافتن به آن ، کافی نمی باشد بلکه باید وسیله ای وجود داشته باشد تا چنانچه تجاوز به حق یا عدم شناسایی آن ، استفاده نمود و اجرای حق را عملی کرد.

بر اساس قوانین ماهوی برای اشخاص حق ایجاد می گردد ؛ نمونه هایی از قوانین ماهوی : قانون تجارت ، قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی می باشند.

به عنوان مثال در قانون مدنی بیان شده است (طبق ماده ۱۰۸۲) : به مجرد عقد ، زن مالک مرد می شود.

با این وجود بعد از انعقاد عقد زوج باید مهر را به زوجه تسلیم کند. پس در اجتماع حق اشخاص بر اساس

قوانین ماهوی ایجاد می گردد و چنانچه این حق اشخاص از ناحیه اشخاص دیگر اجتماع رعایت نگردد و تضییع شود و قوانین شکلی یا تضمین کننده رجوع میکنیم.



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

- آیین دادرسی مدنی نه تنها در دعاوی حقوقی موضوع پرونده حقوقی بلکه در طرح ، دفاع و رسیدگی به جنبه حقوقی امور کیفری نیز علی الاصول باید رعایت شود البته در مواردی که قانون گذار بر قاعده مزبور استثنائاتی را وارد نموده است. در حقیقت ، علاوه بر محکومیت پرداخت دیه در حق مجنی علیه که به هر حال جنبه مدنی دارد ، در جرائمی مانند سرقت ، تصرف عدوانی و ... ، چون به موجب این نصوص ، دادگاه ضمن صدور حکم باید در هر حال نسبت به حق متضرر از جرم رسیدگی و حکم صادر نماید ، متضرر از جرم ، جهت احقاق خصوصی خویش تکلیفی به تقدیم دادخواست در پرونده کیفری نداشته و بنابراین دعوی حقوقی به معنای اخص و در نتیجه رعایت آیین دادرسی مدنی در این قبیل موارد مطرح نمی شود .

- آیین دادرسی در قوانین و مقررات ایران تعریف نشده است.

آیین اداری مجموعه اصول و قواعد است که شاکی ( به تعبیر قانون دیوان عدالت اداری ) در مقام طرح شکایت در مراجع اداری و طرف شکایت در مقام پاسخ به شکایت و مرجع اداری در مقام رسیدگی ، صدور رای و اجرای آن باید رعایت نماید.

- تشریفات آیین دادرسی مدنی در رسیدگی به آن دسته از امور مدنی باید لازم باشد که رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوا و امور ترافعی نامیده می شود.

علی الاصول آیین دادرسی مدنی در رسیدگی به امور کیفری رعایت نمی گردد ، مگر در رابطه با جنبه خصوصی و ضرر و زیان ناشی از جرم ، ( ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ) .



به عنوان مثال : چنانچه چک بلامحلی صادر گردد برای مطالبه وجه آن حتما باید دادخواست تقدیم شود  
چه این که مطالبه وجه شکل یعنی همان جنبه خصوصی جرم.

**آیین دادرسی مدنی در شورای حل اختلاف بدین صورت رعایت می گردد :**

الف) شورای حل اختلاف تابع اصول آیین دادرسی مدنی می باشد.

ب) شورای حل اختلاف تابع تشریفات دادرسی نمی باشد ( ماده ۱۹ قانون شورا).

اصول دادرسی : مواردی می باشد که الزاما باید رعایت گردد و چنانچه رعایت نشود آن دادرسی  
عادلانه نمی باشد.

تشریفات دادرسی : مواردی هستند که باید رعایت گردد ولی چنانچه رعایت نگردد نمی توان  
اظهار نمود که آن دادرسی عادلانه نمی باشد.

چگونگی رعایت آیین دادرسی مدنی در داوری : ( ماده ۴۷۷ ق . آ . د . م ) .

الف) داوران تابع اصول آیین دادرسی هستند.

ب) داوران تابع تشریفات نیستند.

همچنان که در مطالب قبل بیان گردید رسیدگی به اموری که رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و  
منازعه بین اشخاص و اقامه دعوا از ناحیه آنها می باشد ، امور ترافیعی نامیده می شود.

بدین صورت اموری می باشند که تا از دادگاه درخواست نگردد ، نمی توان به آن رسیدگی کرد مثل



عقد بیع که حق خریدار در تحویل گرفتن مبیع می باشد . و چنانچه مبیع به مشتری تسلیم نگردد او باید به دادگاه رجوع نماید.

در مقابل امور ترافعی ، امور غیر ترافعی ( یا همان امور حسبی ) می باشند. اموری هستند که دادگاه ها مکلفند نسبت با آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آنها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوا از ناحیه آنها باشد همانند : صدور حکم حجر ، تعیین قیم راجع به امور غایب مفقود الاثر ، مهر موم ، تحریر و اداره ترکه: ( پدري فوت نموده و جهت صغير وی نصب قیم می گردد ) .

چگونگی رعایت مقررات آیین دادرسی مدنی در امور حسبی : موجب ماده ۱۵ و ۱۶ قانون امور حسبی مقررات آیین دادرسی مدنی در امور حسبی لازم الرعایه نمی باشد مگر اینکه اجرای مقررات آیین دادرسی مدنی از سوی قانون امور حسبی تصریح شود.

براساس ماده ۱۵ قانون امور حسبی اشخاص ذی نفع میتوانند شخصا در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز میتوانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی وی باید نزد دادرس محرز شود.

تبصره : نماینده اعم از وکلای دادگستری یا غیره آنهاست.

ماده ۱۶ قانون امور حسبی : حساب مواعد به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده است و اگر روز آخر موعده مصادف با تعطیلی شود آخر موعده روز بعد از تعطیلی می باشد.



- آیین دادرسی مدنی قانون عام می باشد و قانون امور حسبی قانون خاص است. و مطابق قواعد تفسیر آن لاحق ناسخ خاص سابق نیست از سوی دیگر آیین دادرسی مدنی ویژه امور ترافعی است در حالی که در امور حسبی ترافعی وجود ندارد. پس بر اساس ماده یک باید بگوییم مقررات آیین دادرسی مدنی در امور حسبی لازم الرعایه نیست مگر اینکه قانون امور حسبی اجرای مقررات آیین دادرسی مدنی را تصریح نماید.

**محتوای آیین دادرسی مدنی:** اصول و مقرراتی که در ایران آیین دادرسی مدنی به مفهوم اعم واژه خوانده می شود از یک سو شامل آنهایی است که تشکیل مراجع مختلف قضاوتی اعم از قضایی ( کیفری ، حقوقی ) و اداری را پیش بینی کرده و سازمان و ترکیب آن را مشخص می سازد. بررسی این دسته از اصول و مقررات مستلزم بررسی قوانین مربوط به سازمان قضاوتی ایران می باشد. این مقررات ناظر به مراجع قضایی و سازمان و تشکیلات و سلسله و ارتباط آنها بایکدیگر ، مقررات استخدامی و انتظامی و اشخاص وابسته به دادگستری ( وکلا و کارشناسان ) است.

به عنوان مثال مقررات مزبور تعیین می نمایند که در دادگاه های عمومی بدوی قاعده وحدت قاضی حاکم است و در دادگاه تشکیل نظر قاعده تعدد قاضی حکم فرما است. یا اینکه قاضی دادگاه خانواده باید متاهل و چهار سال سابقه قضاوت داشته باشد.



مواردی به شرح ذیل از مقررات مربوط به سازمان قضایی بیان می گردد:

ماده ۱۱ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب :

رئیس شعبه اول دادگاه های عمومی در هر حوزه قضایی ، رئیس حوزه قضایی است و با تصویب رئیس قوه قضاییه می تواند به تعداد لازم معاون داشته باشد.

ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب :

به منظور تجدید نظر در آرای دادگاه های عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدید نظر به تعداد مورد نیاز مرکب از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار تشکیل می شود. جلسه دادگاه با حضور دو نفر عضو رسمیت یافته پس از رسیدگی ماهوی رای اکثریت که به وسیله رئیس یا عضو مستشار انشاء می شود قطعی و لازم الاجرا خواهد بود.

تبصره ۷ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب :

در شهرستان مرکز استان ، رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان می باشد و رئیس شعبه اول دادگاه های عمومی مرکز استان رئیس کل دادگاه های آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رئیس هر حوزه قضایی ، رئیس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضایی است.





ماده ۲ قانون دیوان عدالت اداری :

دیوان در تهران مستقر است و متشکل از شعب بدوی ، تجدید نظر ، هیات عمومی و هیات های تخصصی می باشد. تشکیلات قضایی ، اداری و تعداد شعب دیوان با تصویب رئیس قوه قضاییه تعیین می شود.

ماده ۳ قانون دیوان عدالت اداری :

هر شعبه بدوی دیوان از یک رئیس یا دادرس علی البدل و هر شعبه تجدید نظر از یک رئیس و دو مستشار تشکیل می شود . شعبه تجدید نظر با حضور دو عضو رسمیت می یابد و ملاک صدور رای ، نظر اکثریت است آرای شعب تجدید نظر دیوان قطعی می باشد.

ماده ۲ قانون حمایت خانواده :

دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می گردد. قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به صورت مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوا اظهار نظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاء کننده رای باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر وی مخالف باشد ، با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند.



تبصره: قوه قضاییه موظف است حداکثر ظرف ۵ سال به تامین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاه های خانواده اقدام کند و در این مدت می تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند.

ماده ۳ قانون شورای حل اختلاف : هرشورا دارای رئیس ، دو نفر عضو اصلی و یک نفر عضو

علی البدل است. و در صورت نیاز میتواند برای انجام وظایف خود دارای مسئول دفتر باشد که توسط رئیس حوزه قضاییه مربوط پیشنهاد و ابلاغ آن از سوی رئیس کل دادگستری استان یا معاون ذی ربط وی صادر می شود .

ماده ۴ شورای حل اختلاف : در هر حوزه قضایی یک یا چند نفر قاضی دادگستری که قاضی

شورا نامیده می شوند ، مطابق این قانون انجام وظیفه می نمایند.

ماده ۵ شورای حل اختلاف : حکم انتصاب قاضی شورا توسط رئیس قوه قضاییه و حکم

انتصاب هر یک از اعضای شورا پس از احراز شرایط مقرر در این قانون ، با پیشنهاد

رئیس کل دادگستری توسط رئیس مرکز شوراها صادر می شود.

قوانین آیین دادرسی مدنی از سوی دیگر شامل آنهایی هستند که صلاحیت مراجع قضایی را پیش بینی این دسته از اصول مقررات قوانین مربوط به صلاحیت خوانده می شود.

این مقررات صلاحیت به دو دسته تقسیم می شوند :



الف) صلاحیت ذاتی مراجع قضایی با توجه به صنف ، نوع یعنی مرجعی که توسط مقررات قانون گذار تعیین می شود.

ب) صلاحیت نسبی یا محلی یا قلمرو یا محدوده جغرافیایی دادگاه ، که این مقررات توسط رئیس قوه قضاییه با رعایت تقسیمات کشوری مشخص می گردد.

صلاحیت ذاتی توسط قانون گذار به مرجعی محول شده تا بتواند به امری رسیدگی نماید.

همانند اینکه صلاحیت دادگاه خانواده رسیدگی به اختلاف زوجین می باشد. یا صلاحیت ذاتی

دادگاه انقلاب ( طبق ماده ۵ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ) رسیدگی به جرائمی از

قبیل :

۱\_ کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض

۲\_ توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام رهبری

۳\_ توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب موسسات به منظور مقابله با نظام.

۴\_ جاسوسی به نفع اجانب

۵\_ کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

### ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی

قسم سوم از قوانین آیین دادرسی مدنی: مباحثی از قبیل اصول، قواعد و مقرراتی می باشد که شیوه تنظیم دادخواست، ابلاغ آن، طریق شکایت از آراء، صدور حکم، ... مشخص نموده اند که به آنها قوانین آیین دادرسی اخص گفته می شود.

**ویژگی آیین دادرسی مدنی:** آیین دادرسی مدنی دارای دو ویژگی آمره و تشریفاتی شناخته و مشخص می شوند. این دو ویژگی اگر چه از هم دیگر جدا می باشد، ولی در آمیختگی کاملاً با همدیگر پیوند می خورند. می توان گفت تشریفاتی بودن این مقررات در برابر مانورخودسرانه قاضی و در جهت حمایت اصحاب دعوا می باشد. به عنوان پشتیبانی اصحاب دعوا می باشد با این تفاسیر امری یا تخییری بودن آنها می بایست مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

تعریف قانون امری (آمره) و قانون تکمیلی (تخییری یا مخیره):

الف) قانون امری یا آمره: قانونی است که اشخاص نمی توانند بر خلاف آن تراضی و توافق نمایند و چنانچه تراضی نمودند آن تراضی باطل و بلا اثر می باشد و بر باطل اثری مترتب نمی شود.

مثال: طبق ماده ۳۶۵ ق. م. بیع فاسد اثری در تملک ندارد.

قانون تکمیلی یا تخییری یا مخیره:

قانونی است که اشخاص می توانند بر خلاف آن تراضی یا توافق نمایند.

مثال: کسی که معامله می کند آن معامله برای آن شخص محسوب است مگر اینکه در موقع عقد خلاف آن را تصریح نماید. یا اینکه تحویل مبیع در مکانی است که در آنجا عقد منعقد گردیده است



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

و طرفین حتی می توانند خلاف آن توافق نمایند و مبیع را در مکان های دیگری که متعاملین با هم تراضی و به توافق می رسند تحویل گردد.

مقررات آیین دادرسی مدنی که مربوط به سازمان قضایی می باشد از قوانین آمره تلقی می گردند.

به طور مثال: اشخاص ( اصحاب دعوا ) نمی توانند خلاف مقررات مربوط به سازمان قضای توافقی نمایند در مرحله بدوی با قاعده وحدت قاضی رسیدگی انجام می پذیرد و با تغییر آن به تعهد قاضی امکان پذیر و میسر نمی باشد. یا بالعکس رسیدگی در دادگاه تجدید نظر با تعدد قاضی می باشد و اشخاص نمی توانند تراضی و توافق کنند که با وحدت قاضی رسیدگی انجام بپذیرد.

- مقررات مربوط به صلاحیت: آن قسم از مقررات آیین دادرسی مدنی که مربوط به صلاحیت ذاتی مراجع باشد از قوانین آمره تلقی می شود.

همانند اینکه نمی توان تراضی و توافق نمود که جهت رسیدگی دعاوی خانواده دادگاه انقلاب صالح باشد. یا اینکه توافق نمود که جهت رسیدگی دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی و جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر دادگاه خانواده صالح باشد.

اما صلاحیت نسبی و محلی دادگاه ها علی الاصول در زمره قوانین مخیره و تکمیلی می باشد. یعنی اشخاص می توانند بر خلاف آن توافق و تراضی نمایند. مگر در رابطه با اموال غیر معقول که بر اساس ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی باید در دادگاه محل وقوع مال غیر معقول آن را اقامه نمایند. درحالی که در سایر دعاوی اصحاب دعوا می توانند توافق کنند که دادگاه صالح دادگاهی غیر از محل اقامت خوانده باشد.



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

مقررات مربوط به آیین دادرسی مدنی به معنای اخص :

این مقررات اصولاً ، از قوانین آمره تلقی می گردند ( امری ) . و تراضی خلاف آن غیر قابل پذیرش و مردود می باشد به عنوان مثال اگر حکمی غیر قابل اعتراض باشد اصحاب دعوا نمی توانند تراضی نمایند که آن حکم قابل اعتراض باشد.

بررسی اثر قانون لاحق در محتوای آیین دادرسی مدنی :

بر اساس ماده ۴ قانون مدنی ، اثر قانون نسبت به آینده می باشد و نسبت به گذشته سرایت نمی کند ( قانون عطف به ماسبق نمی شود ) .

در قوانین شکلی باید گفت اصولاً قانون جدید به گذشته بر میگردد یعنی در قوانین شکلی اصولاً عطف به ماسبق می شود . و در حقوق ماهوی اصولاً عطف به ماسبق نمی شود .

محتوای آیین دادرسی مدنی از حیث اثر قانون لاحق بدین شرح بررسی می نمایم :

الف) مقررات مربوط به سازمان قضاوتی ← ( عطف به ماسبق می شود ) .

قوانین سازمان قضاوتی عطف به ماسبق می شوند. چنانچه در روز درخواست قاعده تعدد قاضی

حاکم باشد ولی در روز رسیدگی بر اساس قانون جدید ، قاعده وحدت حاکم شود باید این دعوا با

یک قاضی مورد رسیدگی قرار گیرد.

ب) مقررات مربوط به صلاحیت

- قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی ← ( عطف به ماسبق می شود ) .



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

چنانچه دعوایی در دادگاه عمومی طرح شده باشد و در روز رسیدگی طبق قانون جدید رسیدگی

به چنین دعوایی در صلاحیت دادگاه انقلاب قرار گیرد ، دادگاه عمومی به شایستگی دادگاه انقلاب

قرار عدم صلاحیت صادر و پرونده را به آن دادگاه ارسال می نماید.

- قوانین مربوط به صلاحیت محلی یا نسبی ← ( اصولاً عطف به ماسبق نمی شود ) .

مثال: اگر دعوایی علیه (( افشین )) در دادگاه شهریار مطرح نموده ایم و دادگاه مذکور از لحاظ تقسیمات استانی جزو استان تهران باشد و بعد از روز تقدیم درخواست ، دادگاه مزبور جزو استان البرز قرار گیرد کماکان پرونده در همان دادگاه قبلی می ماند. ضمناً قانون گذار می تواند خلاف این امر را نیز مقرر نماید.

(ج) مقررات مربوط به آیین دادرسی به معنای اخص ← ( عطف به ماسبق می شود ) .

قوانین آیین دادرسی مدنی به معنای اخص ، اصولاً عطف به ماسبق می شوند و اثر فوری دارند. مگر اینکه قانون جدید مغایر با حقوق مکتسبه اشخاص باشد چنانچه رای در زمان صدور ، قانون شکایت نباشد ، اما در زمان ابلاغ ، رای مزبور طبق قانون جدید قابل شکایت باشد ، باید گفت شکایت از آن غیر ممکن می باشد زیرا :

اولا : آرا از حیث شکایت تابع قانون زمان صدورند.

ثانیا : شکایت از این رای ( در این مثال ) خلاف حقوق مکتسبه ( محکوم له ) است.

سازمان قضاوتی ایران : منظور از واژه ی مراجع قضاوتی کلیه مراجعی است که به موجب قانون تشکیل و به دعاوی ، جرائم و اموری که در صلاحیت آنها است رسیدگی و اقدام به صدور رای می نمایند. مراجع قضاوتی



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

نه تنها شامل مراجع قضایی ( حقوقی ، کیفری می شود بلکه مراجع اداری را نیز دربر می گیرد. )

دادگاه های نخستین به صلاحیت آنها : دادگاه های عمومی علی القاعده در مرحله نخستین به دعاوی و شکایات و امور داخلی خود رسیدگی می نمایند.

دادگاه عمومی بر اساس ماده ۲ ق . ت . د . ع . ا در محل هایی که رئیس قوه قضاییه تشخیص می دهد ، تشکیل می گردد و تعیین قلمرو محلی به تعداد شعب آن با مقام مزبور است.

تخصیص شعب به حقوقی و جزایی در هر حوزه قضایی با مقام مزبور یا مقامات مجاز از طرف وی می باشد.

دادگاه عمومی با حضور رئیس شعبه یا دادرس علی البدل تشکیل می شود. بنابراین در دادگاه عمومی قاعده وحدت قاضی حکمفرماست. تحقیقات به وسیله رئیس یا دادرس علی البدل انجام گردیده و تصمیم گیری قضایی و انشاء رای با قاضی است. در معیت هر شعبه دادگاه عمومی دفتر دادگاه قرار دارد. هر دفتر دادگاه دارای مدیری است که تحت ریاست و مسعولیت رئیس شعبه بوده و به تعداد لازم کارمند ، دفتر نویس و ... دارد. علی القاعده هیچ تفاوتی بین دامنه صلاحیت دادگاه های عمومی واقع در حوزه های قضایی مختلف اعم از اینکه در نقاط معینی در شهر های بزرگ ، کوچک ، در مرکز بخش ، شهرستان و دهستان تشکیل شوند وجود ندارد . حوزه قضایی عبارت است قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع شده است. تقسیم بندی حوزه قضایی به واحد هایی از قبیل مجتمع ، ناحیه تغییری در صلاحیت عام دادگاه مستغر در آن نمی دهد.

تشکیل دادگاه عمومی شهرستان که میبایست در مرکز آن باشد با صلاحدید رئیس قوه قضاییه است.

چنانچه در شهرستان دادگاه عمومی تشکیل نشده باشد باید رسیدگی به دعاوی ، جرائم و امور مربوط به آن با حوزه قضاییه نزدیکترین شهرستان تابع همان استان باشد. حوزه قضاییه دادگاه عمومی مرکز شهرستان تا





## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

مرز حوزه قضاییه شهرستان همجوار وسعت می یابد. رئیس قوه قضاییه مجاز است در هر حوزه قضایی هر یک از شعب دادگاه عمومی ، حقوقی و جزایی را برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی خاص مانند امور خانوادگی و جرایم اطفال اختصاص دهد. البته در این خصوص صلاحیت محلی دادگاه نیز باید رعایت گردد. مقام ارجاع کننده میتواند این پرونده هارا با توجه به تجارب و تبحر قضات به شعب ارجاع نماید.

**صلاحیت :** صلاحیت دادگاه عمومی حقوقی عام و اصل بر آن است ؛ بدین معنا که صلاحیت رسیدگی به کلیه دعاوی و امور حقوقی را دارد . مگر آنهایی که در صلاحیت مراجع دیگر قرار گرفته باشد. در نتیجه لزومی ندارد که دادگاه در رایی که صادر می نماید به صلاحیت خود استناد نماید. مگر اینکه به صلاحیت آن اعتراض شده باشد که در این صورت دادگاه مکلف است در رای صادره ابتدا ایراد عدم صلاحیت را اگر وارد نباشد به طور مستند و مستدل رد نماید.

دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی به دعاوی حقوقی را داراست ، مگر اینکه رسیدگی به امری صراحتا به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری قرار گرفته باشد. به عنوان مثال دعوی افراز که جریان ثبتی به آن خاتمه یافته در صلاحیت اداره ثبت محل وقوع ملک است. اختصاص و بنابراین از صلاحیت دادگاه عمومی خارج است.

### دادگاه خانواده ، صلاحیت و آیین دادرسی آن

براساس ماده واحده این قانون رئیس قوه قضاییه مکلف است در حوزه های قضاییه شهرستان ها حداقل یک شعبه از دادگاه های عمومی را برای رسیدگی به دعاوی خانواده اختصاص دهد. پس از تحقق این شعبه دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی به دعاوی مربوط به این دادگاه ها را نخواهند داشت. در حوزه های بخش ، دادگاه عمومی بخش ، قائم مقام دادگاه خانواده خواهد بود.



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

قضات دادگاه های خانواده می بایست متاهل بوده و حداقل چهار سال کار قضایی داشته باشند.

هردادگاه خانواده حتی المقدور با حضور مشاور قضایی زن شروع و رسیدگی نموده و احکام پس مشاوره با مشاوران زن صادر می گردد.

صلاحیت دادگاه خانواده :

۱\_ دعاوی مربوط به نکاح دائم و موقت

۲\_ طلاق ، فسخ نکاح ، بذل مدت و انقضای مدت

۳\_ دعاوی مربوط به مهریه

۴\_ دعاوی مربوط به جهیزیه

۵\_ دعاوی مربوط به اجرت المثل

۶\_ دعاوی مربوط به نفقه ی معوقه و جاریه ی زوجیت

۷\_ دعاوی مربوط به حضانت و ملاقات طفل

۸\_ دعاوی راجع به نسب

۹\_ دعاوی مربوط به نشوز و تمکین

۱۰\_ دعاوی راجع به نصب قیم و ناظر ، ضم امین و عزل آنها

۱۱\_ حکم رشد



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱

استاد: دکتر عسکر حاجی پور

۱۲- دعاوی راجع به ازدواج مجدد

۱۳- دعاوی راجع به شرایط ضمن عقد ازدواج

- مراجع اختصاصی دادگستری دادگاه انقلاب و دادگاه نظامی می باشد.

دادگاه های عمومی جزایی :

در حوزه هایی که دادگاه عمومی بیش از یک شعبه داشته باشد به حقوقی و جزایی تقسیم میگردند  
شعب حقوقی « دادگاه عمومی حقوقی » و شعب جزایی « دادگاه عمومی جزایی » خوانده می شود.

دادگاه عمومی جزایی با دادگاه عمومی حقوقی تفاوت زیادی ندارند. البته این دادگاه علاوه بر رئیس دادگاه یا دادرس علی البدل با حضور قاضی دادرس تشکیل می شود. قلمرو محلی این دادگاه نیز علی القاعده همان قلمرو محلی دادگاه حقوقی است. اما صلاحیت دادگاه عمومی جزایی رسیدگی به امور کیفری یعنی اعمالی است که به موجب قانون ، به قید مجازات ممنوع است و جرم به مفهوم اعم شمرده می شود.

دادگاه کیفری استان : دادگاه کیفری استان در مرکز هر استان حسب نیاز ، شعبه یا شعبی از دادگاه تجدید نظر به عنوان « دادگاه کیفری استان » اختصاص می یابد. تعداد شعب به تشخیص رئیس قوه قضاییه می باشد. تشکیل دادگاه های کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم ( غیر مرکز استان ) به دستور همان مقام ممکن است. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس ، اعدام ، صلب ، حبس دائم باشد از پنج نفر ( رئیس و چهار مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه استان ) و برای رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو باشد و همچنین جرائم مطبوعاتی و سیاسی از سه نفر تشکیل می شود.



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

دادگاه تجدید نظر استان و صلاحیت آن :

دادگاه تجدید نظر در مرکز هر استان به منظور تجدید نظر در آرای قابل تجدید نظر صادره از دادگاه های عمومی و انقلاب مستقر در حوزه آن استان ، دادگاه تجدید نظر دارای یک رئیس و دو مستشار تشکیل می گردد . جلسه دادگاه تجدید نظر با دو عضو رسمیت می یابد.

هر دادگاه استان و هر یک از شعب آن دارای یک نفر مدیر دفتر است. که تحت ریاست و مسئولیت رئیس شعبه بوده و به تعداد لازم ، تحت ریاست خود کارمند و دفتر نویس دارد.

شورای حل اختلاف :

صلاحیت شورا: براساس ماده ۷ آیین نامه ، شورا در تمامی امور مدنی و نیز تمامی امور جزایی که رسیدگی به آن منوط به شکایت شاکی است و با گذشت وی تحقیق موقوف می شود ، می تواند به منظور ایجاد سازش بین طرفیت مذاکره کند اما میتواند دعاوی یا شکایاتی را نیز حل و فسخ نماید. که عبارت اند از :

الف) امر حقوقی : تمامی دعاوی راجع به اموال منقول ، دیون ، منافع ، زیان ناشی از جرم ، ضمان قهری در صورتی که خواسته دعوا بیش از مبلغ بیست میلیون ریال نباشد و دعوا خلع ید از اموال غیر منقول ، تخلیه اماکن مسکونی و دعاوی راجع به حقوق ارتفاقی از قبیل حق العبور ، حق المجرا ، مزاحمت و ...

ب) در امور کیفری شامل : مراقبت در حفظ جرم و جلوگیری از فرار متهم در جرائم مشهود از طریق اعلام فوری به نزدیک ترین مرجع قضایی یا ماموران انتظامی ، رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی حبس و جزای نقدی پس از تبدیل حبس به جزای نقدی تا پنج میلیون ریال می گردد؛



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱

استاد: دکتر عسکر حاجی پور

رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها کمتر از نود و یک روز حبس یا مجازات تعزیری موضوع تخلف رانندگی باشد.

ماده ۱۰ قانون شورای حل اختلاف: دعاوی زیر قابلیت طرح در شورا را حتی با توافق طرفین ندارد.

الف) اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب

ب) اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت

ج) دعاوی راجع به حجر و ورشکستگی

د) دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی

ه) اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قضایی غیر دادگستری می باشد.

براساس ماده ۴۹۶ ق. ا. د. م: دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست:

۱- دعاوی ورشکستگی

۲- دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب

با توجه به اینکه دولت در شورای حل اختلاف نمی تواند اقامه دعوا نماید و یا خوانده دعوا قرار گیرد آیا می

توان دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی را به داوری ارجاع نمود؟

با رجوع به ماده ۴۵۷ ق. ا. د. م و به اصل ۱۳۹ قانون اساسی باید گفت: ارجاع دعاوی راجع به اموال



عمومی و دولتی به داوری و خاتمه آن دعاوی و سازش مستلزم تصویب هیات وزیران و اطلاع

مجلس شورای اسلامی است و در مواردی که قانون تشخیص دهد مهم می باشد یا طرف دعوا خارجی باشد تصویب مجلس نیز ضروری می باشد.

- اعتراض به رای شورای حل اختلاف : ۱- رای شورا ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ به طرفین قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه عمومی حوزه مربوطه است ؛ مشروط بر اینکه اکثریت اعضای شورا با رسیدگی به اعتراض و تجدیدنظر خواهی موافق بوده و لزوم تجدید نظر خواهی را درخواست نمایند. در صورت تجدید نظر رای دادگاه قطعی است. ۲- آرای غیابی شورا ظرف مدت مذکور قابل واخواهی در همان شورا می باشد.

مراجع ثبتی : منظور از مراجع ثبتی ، مراجعی است که در ادارات ثبت به موجب مقررات ثبتی تشکیل گردیده و به نوعی ، رسیدگی به اختلافات را عهده دار می باشند.

هیات حل اختلاف ثبت : در مقر هر اداره ثبت احوال هیاتی به نام هیات حل اختلاف مرکب از رئیس اداره ثبت احوال و مسئول بایگانی یا معاونین یا نمایندگان آنان و یکی از کارمندان مطلع اداره مزبور به انتخاب رئیس اداره ثبت احوال استان تشکیل می شود.

**وظایف هیات حل اختلاف به قرار زیر است :**

۱- تصحیح هر نوع اشتباه در تحریر مندرجات دفتر ثبت کل وقایع و وفات بعد از امضا سند و قبل از تسلیم شناسنامه و گواهی ولادت یا وفات و تکمیل سند از نظر مشخصاتی که نامعلوم بوده است.

۲- رفع اشتباهات ناشی از تحریر ضمن ثبت وقایع یا نقل مندرجات اسناد و اعلامیه ها و مدارک به دفاتر ثبت



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱

استاد: دکتر عسکر حاجی پور

کل وقایع و سایر دفاتر.

۳- ابطال اسناد و شناسنامه هایی که بیگانگان مورد استفاده قرار داده اند.

۴- ابطال اسناد مکرر و یا موهوم و تصحیح اشتباه در ثبت جنس صاحب سند و تغییر نام های ممنوع.

۵- حذف کلمات زاید ، غیر ضروری و یا ناشی از اشتباه در اسناد سجلی اشخاص . ترتیب تقاضا و گردش کار دفاتر یکی از مراجع هیات ها و نحوه رسیدگی و ابلاغ تصمیمات در آیین نامه اجرای این قانون تعیین خواهد شد.

هیات نظارت اداره ای مهم است که به اختلافات و اشتباهات ثبتی رسیدگی می نماید. و هیات مزبور

در ماده ۶ اصلاحیه قانون ثبت به شرح ذیل پیش بینی شده است: « برای رسیدگی به کلیه اختلافات

و اشتباهات مربوط به امور ثبت اسناد و املاک در مقر هر دادگاه استان هیاتی به نام هیات نظارت

مرکب از رئیس ثبت استان یا قائم مقام او دو نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب وزیر دادگستری

(در حال حاضر به انتخاب رئیس قوه قضاییه ) تشکیل می شود.

هیات مزبور به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضاییه استان رسیدگی می نماید.

شورای عالی ثبت فقط مرجع تجدید نظر نسبت به آراء هیات نظارت خواهد بود که دارای دو شعبه به

شرح ذیل است:

۱- شعبه مربوط به املاک

۲- شعبه مربوط به اسناد



دیوان عالی کشور: دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی و انجام مسئولیت هایی که طبق قانون به آن محول می شود بر اساس ضوابطی که رئیس قوه قضاییه تعیین می کند تشکیل می شود.

سازمان عالی کشور: از دو بخش شعب و دادسرا تشکیل شده است.

شعب: مقر اصلی دیوان در تهران است و در حال حاضر دارای چهل شعبه می باشد تعداد قضاات هر یک از شعب دو نفر که یکی رئیس و دیگری مستشار می باشد، هر دو عضو شعبه به تشخیص رئیس قوه قضاییه، باید مجتهد باشند. و یا ده سال تمام در دروس خارج شرکت نموده و یا دارای ده سال سابقه کار قضایی و یا وکالت باشند. و کاملاً با قوانین مدون اسلامی آشنا باشند.

رئیس شعبه اول، رئیس دیوان عالی کشور می باشد. که تقسیم و ارجاع پرونده ها به شعب مختلف دیوان عالی کشور به دستور او یا رئیس یکی از شعب دیگر، به تعیین او، انجام میگیرد. و برای مدت پنج سال به سمت ریاست انتخاب میگیرد (توسط رئیس قوه قضاییه).

وظایف دیوان عالی کشور:

۱- نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم

۲- ایجاد وحدت رویه ی قضایی

۳- حل اختلاف در صلاحیت و تعیین مرجع صالح ۴- رسیدگی به تخلف رئیس جمهور





## دادسرای دیوان عالی کشور :

در معیت دیوان عالی کشور دادسرای کل کشور وجود دارد که ریاست آن را دادستان کل کشور به عهده دارد و موجب اصل ۱۶۲ قانون اساسی باید مجتهد ، عادل و آگاه به امور قضایی باشد. و رئیس قوه قضاییه با مشورت قضات عالی کشور او را به مدت پنج سال به این سمت منصوب می کند.

دادسرای کل ، افزون بر دادستان کل از **تعدادی معاون و دادیار** تشکیل شده است که زیر نظر او در واقع بخشی از وظایف او را انجام می دهند. دادسرای کل دارای **یک مدیر دفتر کل** و به **تعدادی لازم کارمند اداری** می باشد.

**دادسرا :** اهم وظایف دادسرا مربوط به امور جزایی است ، اما در امور غیر جزایی نیز ، این مرجع دارای اختیاراتی بوده و وظایفی را عهده دار است.

اختیارات و وظایف دادسرا در امور جزایی : دادسرا عهده دار کشف جرم ، تعقیب متهم به جرم ، اقامه دعوا از حنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی ، و اجرای حکم کیفری است و در هر حوزه به ریاست دادستان می باشد و به تعداد لازم معاون ، دادیار ، بازپرس ، و تشکیلات اداری دارد. دادسرا در مراجعی که پیش بینی شده است در تمامی دعاوی جزایی به عنوان مدعی دعوی عمومی با وظایف و اختیارات خاص حاضر شده و مقابل متهم است. ( مانند دادسرای نظامی ، دادسرای ویژه روحانیت ) پس اهم اختیارات و وظایف دادسرا مربوط به امور جزایی می باشد.



اختیارات و وظایف دادسرا در امور غیر جزایی :

در امور غیر جزایی نیز در بعضی موارد ، دادسرا به عنوان طرف اصلی دعوا انجام وظیفه می نماید. اختیارات و وظایف دادسرا در امور غیر ترافیکی به شرح زیر می باشد :

الف) اقامه دعوای ورشکستگی علیه تاجر

ب) اعتراض به درخواست انحصار وراثت متوفایی که بلا وارث است.

پ) درخواست نصب و عزل قیم و ضم امین و ناظر.

ت) درخواست اعلام ادامه وضعیت حجر صغیر بالغ شده.

ث) درخواست تعیین امین برای جنین.

ج) درخواست تعیین امین برای اداره اموال غایب مفقود الاثر .

د) اداره ی اموالی که به مصارف عمومی اختصاص داده شده است.

مراجع اداری : دیوان عدالت اداری را تنها مرجع عمومی اداری و در عین حال عالی ترین مرجع اداری ایران می باشد.

دیوان عدالت اداری : تنها مرجع عمومی اداری : دیوان عدالت اداری زیر نظر قوه قضاییه تشکیل و در تهران مستقر می باشد. و دارای شعب متعدد است. و رئیس دیوان ، رئیس شعبه اول می باشد



که می تواند به تعداد لازم معاون و مشاور داشته باشد. هر شعبه با یک رئیس و دو مستشار تشکیل می شود. ملاک صدور رای نظر اکثریت می باشد ، رای شعبه در هر حال قطعی است مگر اینکه

رئیس قوه قضاییه یا رئیس دیوان عدالت اداری اشتباه بین شرعی و یا قانونی تشخیص دهد

که در این صورت موضوع برای بررسی به شعبه تشخیص دیوان عدالت اداری ارجاع می شود. شعبه تشخیص از یک رئیس و چهار مستشار تشکیل می شود.

صلاحیت دیوان عدالت اداری :

الف) رسیدگی به شکایت از تصمیمات و اقدامات واحد های دولتی

ب) رسیدگی به شکایت از آیین نامه ها : هیات عمومی دیوان عدالت اداری با شرکت دسته کم دو سوم قضات دیوان با ریاست رئیس دیوان یا معاون قضایی وی تشکیل می شود و ملاک صدور رای نظر اکثریت اعضای حاضر در هیات است. هیات عمومی صلاحیت صدور رای وحدت رویه را در مواردی که رای متناقضی و مشابه از مراجع دیوان صادر شده باشد را دارد. اما مهمترین صلاحیت هیات عمومی دیوان رسیدگی به شکایت و تصمیمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین نامه ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری ها از حیث مخالف مدلول آنها با قانون و احقاق حقوق اشخاص در مواردی که تصمیمات یا اقدامات یا مقررات مذکور به علت برخلاف قانون بودن یا عدم صلاحیت مرجع



مربوط یا تجاوز و یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی باشد که موجب تضییع حقوق اشخاص می شود.

ج) رسیدگی به شکایات از آرا و تصمیمات قطعی مراجع اداری

د) رسیدگی به شکایت استخدامی

ترتیب مراجعه به دیوان ، رسیدگی ، صدور رای و اجرای آن :

رسیدگی در دیوان عدالت اداری مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت پنجاه هزار ریال هزینه دادرسی می باشد ( در شعبه تشخیص یک صد هزار ریال ) شاکی باید دادخواست و پیوست های آن را به تعداد طرف دعوا افزون بر یک نسخه تقدیم دیوان کند. چنانچه دادخواست شرایط مقرر در قانون آیین دادرسی را نداشته باشد مدیر دفتر شعبه تشخیص مطابق قانون مذکور رفتار می نماید. هر گاه رای دیوان علیه طرف شکایت باشد ، شخص یا مرجع محکوم علیه باید رای دیوان را اجرا نماید. در غیر این صورت به درخواست محکوم له شعبه صادر کننده رای ، موضوع را به رئیس دیوان منعکس می نماید. رئیس دیوان یا معاون وی مراتب را برای اجرا به یکی از دادرسان واحد اجرای احکام دیوان ارجاع می نماید تا برابر قانون رفتار نماید.



مجازات خودداری از اجرای رای دیوان انفصال موقت از خدمات دولتی تا پنج سال و نیز جبران خسارت وارده (از اجرا نکردن رای) می باشد ( ماده ۱۱۲ ).

مراجع اداری اختصاصی : مراجع اختصاصی به مراجعی گفته می شود که صلاحیت رسیدگی آنها منحصرأ به آن دسته از دعوای علیه دولت و نهاد های کشور است که صراحتاً در صلاحیت آنها قرار گرفته است از مهم ترین آنها ، مراجع رسیدگی به اختلافات مالیاتی ، مراجع رسیدگی اختلافات گمرکی ، مراجع رسیدگی به اختلافات بین مردم و شهرداری ، کمیسیون ماده ۵۶ و قانون حفاظت از جنگل ها و مراتع را می توان نام برد.

مراجع پیش بینی شده در کانون کار :

هیات تشخیص : ( این هیات متشکل از نماینده وزارت کار ، یک نفر نماینده کارگران ، یک نفر نماینده مدیران صنایع به انتخاب انجمن صنفی کارفرمایان ) .

هیات حل اختلاف استان: ( سه نفر نماینده کارگران استان ، سه نفر نماینده کارفرمایان ، سه نفر نماینده دولت « مدیر کل کار و امور اجتماعی ، فرماندار ، رئیس کل دادگستری محل و نمایندگان آنها » ) .



وظیفه اصلی هیات حل اختلاف رسیدگی به اعتراضاتی است که نسبت به آرای قابل اعتراض هیات تشخیص به عمل می آید. رای این هیات در این موارد قطعی و همانند آرای قطعی تشخیص توسط اجرای احکام حوزه قضایی محل وقوع کارگاه مربوطه ، به مرحله اجرا گذارده می شود. آرای قطعی هیات تشخیص و هیات حل اختلاف ، توسط اشخاص ذی نفع ، تنها از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت ، با آنها قابل شکایت در دیوان عالی عدالت می باشد.

#### کمیسیون ماده ۱۰۰ قانون شهرداری :

مالکین اراضی و املاک واقع در محدوده ی شهر یا حریم آن مکلف اند قبل از هر اقدامی ( عمرانی و احداث ) از شهرداری پروانه اخذ نمایند. و در صورت انجام عملیات عمرانی بدون اخذ پروانه به وسیله کمیسیون مزبور در صورت ضرورت رای قلع تاسیسات صادر می گردد. این کمیسیون مرکب از نماینده وزارت کشور به انتخاب وزیر کشور ، یکی از قضات دادگستری به انتخاب رئیس قوه قضاییه و یکی از اعضای شورای شهر به انتخاب این شورا تشکیل می شود. رای این کمیسیون ظرف ده روز قابل شکایت در کمیسیون تجدید نظر است. در واقع شکایت در شعبه دیگری از کمیسیون ماده ۱۰۰ موجب رسیدگی و صدور رای قرار می گیرد.



کمیسیون مقرر در قانون الحاق بند ۳ به ماده ۹۹ قانون شهرداری :

جهت جلوگیری از ساخت و سازهای غیر مجاز در خارج از حریم مصوب شهرها و نحوه ی جلوگیری از ساخت و سازهای غیر مجاز در خارج از حریم مصوب شهرها و نحوه ی رسیدگی به موارد تخلف ، کمیسیونی در استانداری ها تشکیل می گردد. این کمیسیون حسب مورد و با توجه به طرح جامع ، نسبت به صدور رای قلع و قمع بنا با جریمه معادل پنجاه تا هفتاد درصد قیمت روز اعیانی تکمیل شده اقدام می نماید این کمیسیون مرکب از نمایندگان وزارت کشور ، قوه قضاییه و وزارت مسکن و شهرسازی می باشد. آرای کمیسیون اگر چه صریحا قید نگردیده است ، قطعی و لازم الاجرا می باشد. آرای این کمیسیون نیز قابل شکایت شکلی و قانونی در دیوان عدالت اداری است.

کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری :

بر اساس ماده هفتاد و هفت شهرداری ، چنانچه بین مودی و شهرداری در رابطه با عوارض اختلاف حاصل گردد و رفع اختلاف در صلاحیت کمیسیونی است که با شرکت نمایندگان وزارت کشور ، دادگستری و انجمن شهر تشکیل ( شورای شهر می گردد ) . رای کمیسیون طبق مقررات اجرای اسناد لازم الاجرا در اداره ثبت ، بر اساس اجراییه که مرجع اخیر صادر می نماید به مورد اجرا گذاشته می شود. رای این کمیسیون در دیوان عدالت اداری قابل شکایت شکلی و قانونی می باشد.



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

مواردی که دیوان عالی کشور مرجع صالح را تعیین می نماید :

در صورتی که هر یک از سه دادگاه عمومی ، نظامی ، انقلاب با اعتقاد به صلاحیت مراجع غیر دادگستری از خود نفی صلاحیت نمایند باید پرونده را برای تعیین مرجع صالح به دیوان عالی کشور ارسال نمایند.

کارمندان دادگستری و اشخاص وابسته به آن :

حکومت بین اصحاب دعوا ، تمیز حق از باطل و اجرای عدالت در محاکم به عهده کارمندان یا خدمتگذاران قضایی می باشد. وکلای دادرسی و کارشناسان رسمی دادگستری اگرچه خدمتگذار دولت به شمار نمی آیند اما دخالت مستقیم وکلا در دعاوی مطروحه و مرجعیت کارشناسان رسمی در احضار نظر ، اعتماد و اطمینان دادگاه ها و اصحاب دعوا را می طلبد و از این روی انتخاب و انجام وظیفه آنها ، تابع قوانین و مقررات ویژه ای

می باشد. (۱) کارمندان قضایی (قضات یا دادرسان)

کارمندان دادگستری :

(۲) کارمندان اداری

دادرسان :

دادرسان اگرچه مامورین دولت شمرده می شوند ولی در اختیار قوه مجریه نمی باشند و رئیس قوه قضاییه نیز تنها در محدوده ی اصل ۱۶۴ قانون اساسی می تواند محل ماموریت قاضی را تغییر دهد.

براساس این اصل « قاضی را نمی توان از مقامی که شامل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخطی موجب انفصال است به طور وقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت و یا سمتش را تغییر داد





## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱ استاد: دکتر عسکر حاجی پور

مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضاییه، پس از مشورت با دیوان عالی کشور یا دادستان کل.

\* نقل و انتقال دوره ای قضات برطبق ضوابط کلی که قانون تعیین می کند، صورت می گیرد اگرچه با تفسیر شورای نگهبان از این اصل، انفصال دائم یا موقت قاضی از صلاحیت رئیس قوه قضاییه خارج است اما تغییر محل ماموریت یا سمت قاضی توسط مقام مزبور همچنان امکان پذیر شمرده شده و البته قابل انتقاد می باشد. مصونیت دادرسی از تعقیب کیفری: تعقیب کیفری نیز مشروط به شرط ویژه ای می باشد. هنگامی که در اثنای رسیدگی کشف گردد که کارمند قضایی مرتکب جنحه یا جنایتی شده و دادستان انتظامی قضات آن نسبت را مقرون به دلایل و قرائن ببیند که تعقیب کیفری را ایجاب نماید تعلیق کارمند مظنون را از شغل خود تا صدور رای نهایی مراجعه کیفری از دادگاه عالی تقاضا نماید و دادگاه پس از رسیدگی به دلایل قرار مقتضی صادر خواهد کرد و در صورت حصول براءت ایام تعلیق جزء مدت خدمت مقرر آن به کارمند داده خواهد شد.

### محدودیت های دادرسان:

(۱) ممنوعیت شرکت در احزاب سیاسی و جمعیت های وابسته به آنها

(۲) ممنوعیت انتشار مجله سیاسی یا حزبی

(۳) ممنوعیت از داوری



## مسئولیت ها :

قضات با توجه به عدم انجام تکالیف شغلی و یا تجاوز از حدود و حد و مرز خود ممکن است مسئولیت هایی

داشته باشند بدین شرح :

(۱) مسئولیت مدنی

(۲) مسئولیت کیفری

(۳) مسئولیت انتظامی

مسئولیت مدنی : هنگامی که بر اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع با حکم یا در تطبیق حکم با مورد خاص ، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در صورت تقصیر ، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن می باشد و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود. و در هر حال از متهم اعاده ی حیثیت می شود. پس در صورتی که قاضی در بررسی و احراز موضوع یا در مقام تحقیق جهت یافتن قانون یا در تطبیق قانون بر موضوع مرتکب تقصیر گردد و این امر خسارت مادی یا معنوی به اشخاص وارد شود ، شخصا مسئول جبران خسارت وارده می باشد. در صورتی که در امر مذکور مرتکب تقصیر نشده باشد بلکه اشتباه کرده باشد. جبران خسارت دیده با دولت می باشد.



### مسئولیت کیفری :

مسئولیت کیفری هنگامی محقق می گردد ، که شخصا مکلف به تحمل مجازات گردد. دادرسان امکان دارد همانند هر شخص دیگری مرتکب جرم شوند ، جرائمی وجود دارد که این کارمندان و برخی کارمندان دیگر بیشتر در معرض ارتکاب آن می باشند ؛ از جمله دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا صدور قرار مجرمیت بر خلاف قانون ، اجبار متهم به اقرار از طریق اذیت و آزار بدنی ، ورود به منزل غیر بدون رعایت ترتیبات قانونی ، رسیدگی نکردن به شکایت و تظلمی که بر اساس شرایط قانونی مطرح گردیده است.

### مسئولیت انتظامی :

شخص در صورتی از نظر انتظامی مسئول است که مکلف به تحمل یکی از مجازات های انتظامی می گردد. اگرچه در مسئولیت مدنی ، معمولا اموال و در مسئولیت کیفری ، حیثیت ، جان ، آزادی یا مال اشخاص تحت تاثیر قرار می گیرد ، اما عواقب مسئولیت انتظامی معمولا متوجه موقعیت شغلی ، اداری و مقام شخص می گردد. تخلف انتظامی موجب مسئولیت انتظامی می گردد. و آن انجام ندادن وظایف شغلی و یا تجاوز از حدود قانونی مربوط است که شخص هنگام خدمت یا به سبب آن مرتکب می شود.

### مراجع انتظامی ، تخلفات و مجازات های انتظامی دادرسان :

الف ( مراجع انتظامی قضات : ۱) دادگاه انتظامی قضات ۲) هیات تجدید نظر انتظامی قضات ۳) دادرسرای انتظامی قضات ۴) محکمه عالی انتظامی قضات



(۱) دادگاه عالی انتظامی قضات :

سازمان از یک نفر رئیس و دو نفر عضو اصلی تشکیل می شود و دارای یک عضو علی البدل خواهد بود. اعضای دادگاه عالی باید دارای لیسانس حقوق یا درجات علمی بالاتر بوده و حداقل بیست سال سابقه خدمت قضایی داشته باشند. یکی از مقامات طبقه پنجم را احراز نموده ( رئیس کل و دادستان درجه یک استان ، مستشار و دادیار درجه یک دیوان عالی کشور ) و محکومیت انتظامی بالاتر از درجه سه نداشته باشد. قضات دادگاه انتظامی و تجدید نظر آن باید دسته کم دارای چهل سال سن باشد و رئیس دادگاه باید مجتهد جامع الشرایط باشد. شرط سن درباره مجتهد جامع الشرایط لازم نمی باشد.

صلاحیت : دادگاه انتظامی قضات را به چهار گروه به شرح ذیل تقسیم می گردد :

(۱) در ارتباط با دارندگان پایه های قضایی ( در هر مرتبه و مقامی )

(۲) در ارتباط با وکلای دادگستری ( رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت مدیره و اعضای دادگاه های انتظامی و دادستان و دادیاران انتظامی وکلا ) ← ( با ارجای رئیس قوه قضاییه یا دادستان کل )  
(۳) در ارتباط با کارشناسان رسمی : ( رسیدگی به تخلفات اعضای دادگاه و دادستان انتظامی کانون کارشناسان رسمی ) ← ( با ارجای رئیس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور ) .

(۴) رسیدگی به تخلف بعضی از اعضای هیات های حل اختلاف مالیاتی



۲- هیئت تجدید نظر انتظامی قضات: تعداد اعضای هیئت تجدید نظر انتظامی سه نفر می باشد که دو نفر آنها از رؤسا و مستشاران شعب دیوان عالی کشور به انتخاب رئیس دیوان مزبور و یک نفر از رؤسا و مستشاران دادگاه عالی انتظامی قضات می باشد.

صلاحیت این هیئت ، رسیدگی به درخواست تجویز اعاده ی دادرسی نسبت به احکام دادگاه عالی انتظامی قضات و همچنین رسیدگی به شکایت از آرای صادره از دادگاه عالی انتظامی قضات و در مواردی که محکومیت از درجه چهار به بالا باشد.

۲- دادرسی انتظامی قضات : دادرسی مذکور برای اولین بار در اجرای لایحه قانون سازمان دادرسی انتظامی قضات مصوب ۱۳۳۱ تشکیل شد. دادستان انتظامی باید حداقل چهار و پنج سال سن و بیست سال سابقه کار قضایی و حداقل دارای پایه قضایی ده بوده و دو دوره ده ساله اخیر خدمت خود محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا نداشته باشد.

وظایف دادرسی انتظامی قضات بازرسی و کشف تخلفات و تقصیرات مستخدمین قضایی و همچنین تحقیق در جهات اخلاقی کارمندان قضایی است و چنانچه دادرسی عقیده بر مجرمیت داشته باشد با صدور کیفرخواست پرونده را به دادگاه انتظامی قضات ارسال می نماید.

۴- محکمه عالی انتظامی قضات : رسیدگی به صلاحیت قضایی که آنها طبق موازین شرعی و قانونی از ناحیه مقامات مصرحه در قانون مورد تجدید نظر قرار گرفته است از طریق محکمه انتظامی قضات صورت می گیرد این محکمه از سه قاضی به انتخاب رئیس قوه قضاییه تشکیل می شود. چنانچه صلاحیت قاضی مورد تردید قرار گیرد موضوع به کمیسیونی متشکل از معاون قضایی ، رئیس قوه قضاییه ، معاون حقوقی مجلس



دادستان انتظامی قضاات و معاون قضایی رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل ، ارسال می شود و کمیسیون ظرف حداکثر سه ماه به محکمه گزارش می دهد.

**ب) تخلفات و مجازات ها و تعقیب انتظامی قضاات :**

(۱) تخلفات و مجازات ها :

- توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی

- توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی

- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه

- انفصال موقت از سه ماه تا یک سال

- تنزل مقام از یک درجه یا زیاد تر

- انفصال دائم از وزارتخانه های مربوطه

(۲) تعقیب انتظامی قضاات و رسیدگی دادگاه عالی انتظامی قضاات :

دادگاه عالی انتظامی قضاات تنها با اعلام وزیر دادگستری در صورتی می تواند از دادگاه انتظامی درخواست تعقیب انتظامی را نماید که از سوء شهرت و رفتار و اعمال منافی حیثیت و شئون قضایی اطلاع حاصل نماید.

دادسرای انتظامی در صورتی که انجام تحقیقات را لازم بداند موضوع را به یکی از دادیاران ارجاع می دهد

دادیار انتظامی پس از رسیدگی اظهار عقیده می کند و در صورت عقیده بر مجرمیت پرونده با صدور



کیفرخواست به دادگاه انتظامی قضات ارسال می دارد.

رسیدگی دادگاه های عالی انتظامی قضات از صدور رای: دادگاه عالی انتظامی قضات مکلف است بر اساس

کیفرخواست دادستان انتظامی یا در موارد مخصوص به تقاضای وزیر دادگستری ( رئیس قوه قضاییه ) به

تخلفات کلیه مستخدمین قضایی در هر مقام که باشد رسیدگی نموده و رای مقتضی صادر نماید.

#### اشخاص وابسته با دادگستری :

الف) وکلا دادگستری : در کشور ایران ، اقامه دعوا و دفاع از آن ، علی القاعده مستلزم دخالت وکیل

دادگستری می باشد و در مواردی ، دفاع از متهم نیز باید به وکیل دادگستری سپرده شود.

وکالت اتفاقی : اشخاصی که دارای اطلاعات کافی برای وکالت باشند اما پروانه وکالت دادگستری ندارند می

توانند در سال سه بار با گرفتن جواز وکالت اتفاقی از کانون مربوط ، برای اقربای سببی و یا نسبی خود تا

درجه دوم از طبقه سوم وکالت نمایند. در امور حسبی اشخاص ذی نفع می توانند شخصا در دادگاه حاضر

شده و یا نماینده بفرستند و نیز می توانند کسی را به سمت مشاور ، همراه خود به دادگاه بیاورند. نماینده در

این ماده اعم از وکلای دادگستری و غیر آنها است.

وکالت تسخیری : در جرایمی که مجازات آن بر حسب قانون ، قصاص نفس ، اعدام ، رجم و حبس ابد می

باشد چنانچه متهم شخصا وکیل معرفی ننماید تعیین وکیل تسخیری برای او الزامی می باشد. مگر در خصوص

جرائم منافی عفت که متهم از حضور یا معرفی وکیل خودداری کند و در سایر جرایم نیز به موجب قانون ، به

درخواست متهم ، دادگاه با شرایطی برای او وکیل تعیین می نماید.



متهم نمی تواند تغییر وکیل تسخیری را درخواست کند مگر در مواردی که در ماده ۱۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است.

کانون وکلای دادگستری و اجزای آن: در نقاطی که کانون وکلا وجود ندارد تشکیل قانون وکلا مشروط به این می باشد که در آن حوزه حداقل ۶۰ نفر وکیل دادگستری به شغل وکالت اشتغال داشته باشند و تا هنگامی که عده ی وکلا به حد نصاب مزبور نرسیده وکلای این حوزه تابع مقررات و نظامات کانون وکلای مرکز می باشند.

### اجزای کانون وکلای دادگستری :

۱- پایه وکلا هیات عمومی وکلای هر کانون از وکلای پایه یک ، پایه دو که در آن حوزه اشتغال به وکالت دارند مشروط به این که محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا نداشته و در حال تعلیق وکالت نباشند تشکیل می گردد.

۲- هیات مدیره کانون وکلا و تعقیب انتظامی اعضای آن

اداره امور کانون به عهده هیات مدیره می باشد و رئیس هیات مدیره سمت ریاست کانون را دارا بوده و نماینده قانونی کانون در کلیه مراجع رسمی می باشد.

۳- دادسرای انتظامی وکلا: دادسرای انتظامی وکلا مرجع رسیدگی به تخلفات وکلا و کارگشایان

دادگستری و تعقیب آنها می باشد .





\* رئیس کانون وکلا ، که از بین اعضای اصلی هیات مدیره و با رای آنها انتخاب می شود در مرکز باید لااقل بیست سال وکالت درجه اول باشد . و سن او کمتر از پنجاه سال نباشد و نائب رئیس باید لااقل ده سال سابقه وکالت درجه اول بوده و سن آنها کمتر از چهل سال نباشد.

\* رئیس کانون مرکز از حیث شئون تشریفات رسمی در ردیف دادستان کل کشور و رئیس کانون در سایر کانون ها از حیث شئون و تشریفات رسمی در ردیف دادستان استان می باشد

- در مواردی که وزیر دادگستری در امور مربوط به وظائف یکی از افراد هیات مدیره کانون و یا دادسران و دادستان دادگاه انتظامی وکلا تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوان عالی کشور ارجاع می نماید.

دادستان کل به وسیله ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده و در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود.

۴- دادگاه انتظامی وکلا : دادگاه انتظامی وکلا مرجع رسیدگی و صدور رای نسبت به تخلفات وکلا و

کارگشایان می باشد این مرجع از سه نفر وکیل پایه یک دادگستری که برای مدت دو سال از

ناحیه ی هیات مدیره کانون انتخاب می گردند تشکیل می شود.

۵- سایر اجزای کانون : اداره معاضدت و کمیسیون کار آموزی می باشد.



### شرایط صدور پروانه کارآموزی و وکالت :

برای اشخاصی پروانه کارآموزی وکالت صادر می شود که علاوه بر دارا بودن دانشنامه لیسانس یا بالاتر حقوق یا فقه و مبانی حقوق اسلامی یا معادل آن از دروس حوزوی و دانشگاهی دارای شرایط ذیل باشند :

الف ( اعتقاد و التزام عملی و احکام و مبانی دین مقدس اسلام

ب ) اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران ، ولایت فقیه ، قانون اساسی

ج ) نداشتن پیشینه ی محکومیت موثر کیفری

د ) نداشتن سابقه عضویت و فعالیت در گروه های الحادی و فرق ضاله و معاند با اسلام و گروه هایی که مرامنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی می باشد.

ه ) عدم وابستگی و رژیم پهلوی و تحکیم پایه های رژیم طاغوت

و ) عدم عضویت و هواداری از گروهک های غیر قانونی و معاند با جمهوری اسلامی ایران.

ز ) عدم اعتیاد به مواد مخدر و استعمال مشروبات الکلی

### شرایط صدور پروانه وکالت (بدون آزمون کتبی کارآموزی وکالت)

۱- به کسانی که دارای ۱۰ سال متوالی یا ۱۵ سال متناوب سابقه خدمات قضایی بوده و لااقل پنج سال ریاست یا عضویت دادگاه داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از آنها از طرف دادگاه عالی انتظامی قضات نشده باشد.



۲\_ کسانی که دارای دانشنامه لیسانس بوده و پنج سال سابقه خدمتی قضاء داشته باشند و سلب صلاحیت قضایی از طرف دادگاه عالی انتظامی از آنها نشده باشند.

۳\_ نمایندگان مجلس شورای اسلامی با گذراندن یک دوره کامل نمایندگی که دارای لیسانس قضایی یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه علمیه قم و پنج سال سابقه کار قضایی در محاکم باشند.

۴\_ کلیه کسانی که دارای لیسانس حقوق یا گواهی پایان تحصیلات سطوح عالی از حوزه قم با حداقل پنج سال سابقه کار متوالی یا ده سال متناوب در سمت های حقوق در دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و نهاد ها و نیرو های مسلح باشند و بعد از اجرای این قانون با داشتن ۳۰ سال سابقه خدمتی بازنشسته شوند بدون رعایت شرط سن با انجام نصف مدت مقرر کار آموزی.

موانع صدور پروانه وکالت و کار آموزی :

۱\_ اتباع خارجه

۲\_ قضات و مستخدمین دولتی و بلدی و مملکتی

۳\_ محجورین و همچنین کسانی که سن آنها کمتر از ۲۵ سال باشد

۴\_ محکومین به انفصال ابد از خدمت دولتی

۵\_ اشخاص مشهور به فساد اخلاق و تجاهر به استعمال مسکر و اعمال منافی عفت

۶\_ محکومین به جنایت مطلقا و محکومین به جنه هائی که منافی با امانت و عفت و شئون وکالت

است به تشخیص هیات مدیره کانون یا اینکه به موجب قانون



## جزوه آیین دادرسی مدنی ۱

استاد: دکتر عسگر حاجی پور

۷\_ کسانی که به اتهام و ارتکاب جنایات یا جنحه های مذکور در بند فوق تحت محاکمه هستند.

۸\_ اشخاصی که طبق حکم محکمه از وکالت اعتبار پروانه وکالت تعلیق گردند.